

◦ پیمای هراس بر صحنه
(صورتبندی هراس در روابط — وژگانی
ادبیات نمایشی در دوران تکوین)

هیتر اعلوی طلب

www.ketab.ir



سرشناسه

: علوی طلب، میترا، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور

: سیمای هراس بر صحنه (صورتبندی هراس در روابط سوژگانی ادبیات نمایشی در دوران تکوین)/ میترا علوی طلب.

مشخصات نشر

: تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

: ۳۰۱ ص.: جدول.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۳۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر

: صورتبندی هراس در روابط سوژگانی ادبیات نمایشی در دوران تکوین.

موضوع

: نمایش-- ایران-- تاریخ Theater -- Iran -- History

موضوع

: ترس در ادبیات Fear in literature

موضوع

: ترس Fear

شناسه افزوده

: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

ه بندی

: PN۲۹۵۴:

رده بندی دیویی

: ۷۹۲/۰۹۵۵:

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۶۷۵۸۹۳:



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
ادبیات نمایشی در دوران تکوین

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: سیمای هراس بر صحنه (صورتبندی هراس در روابط سوژگانی ادبیات

نمایشی در دوران تکوین)

نویسنده: میترا علوی طلب (استادیار دانشگاه دامغان)

ویراستار: پروین حاجی پور

طرح جلد: لیلی کاظمی

صفحه آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۳۱-۱

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، بابین تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@rica.ac.ir

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر
۳.....	پیشگفتار
۷.....	مقدمه

فصل اول: ادبیات نمایش دوران تکوین

۲۲.....	دوران تکوین ادبیات نمایشی در ایران: تعریف
۲۴.....	دوران تکوین: بسترهای گفتمان‌ساز در طلیعه پدیداری بخش آثار نمایشی
۲۵.....	مواجهه با غرب: برخی پیامدهای فرهنگی
۲۸.....	نظام‌های گفتمانی جدید در ادبیات نمایشی ایران
۳۱.....	رخدادهای سیاسی، فرهنگی و نمایشی دوران تکوین
۳۱.....	گستره ادبیات نمایشی: تعریف
۳۲.....	تکوین ادبیات نمایشی در بستر رخداد بینا فرهنگی
۳۴.....	رخداد بینا فرهنگی و نمایشنامه‌نویسی
۴۰.....	رخداد بینا فرهنگی در نقدنویسی: طرح مفهوم کریتیکا
۴۱.....	مجلس مشاوره در طهران
۴۲.....	ملاحظات انتقادی آخوندزاده نسبت به نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی
۴۴.....	رخداد بینا فرهنگی در ترجمه
۴۶.....	نقش ترجمه در تکوین ادبیات نمایشی
۴۷.....	ترجمه و انطباق فرهنگی
۵۰.....	ادبیات نمایشی در پرتو نهادسازی در تئاتر ایران

فصل دوم: هراس، سوژه و روابط سوژگانی

۵۴	هراس انسان در نسبت با خویشتن
۵۶	هراس به مثابه امری انسانی
۵۸	بررسی واژه «هراس» و معادل‌های آن
۶۳	هراس و عقل
۶۴	هراس انسان در نسبت با جهان
۶۵	هراس از منظر اجتماعی
۶۶	هراس و قدرت
۶۶	بزه هراس
۶۸	خبرآگاهی
۶۹	هراس و ترس
۷۰	هراس فناوری
۷۳	هراس و هیولان
۷۴	هراس معنوی
۷۶	نسبت دین و هراس
۷۸	هراس مقدس
۸۱	بوطیقای هراس در درام
۳۸	درام: تلاقی هراس و «دیگری»
۸۴	هراس، تخته و محاکات
۸۵	هراس و لذت تراژیک
۸۷	هراس و کاتارسیس
۹۰	تفاوت‌های ترکیه و پالایش
۹۲	انواع کاتارسیس
۹۳	هراس و زیبایی‌شناسی
۹۴	زیبایی‌شناسی هراس و اخلاق
۹۷	سوژه وایدنولوزی
۱۰۱	سوژه و دانش، قدرت
۱۰۳	سوژه و صورت‌بندی دانایی
۱۰۶	روابط سوژگانی
۱۱۰	سوژه و تحلیل متن
۱۱۱	روابط سوژگانی در تحلیل متون نمایشی و روایی
۱۱۴	الگوی تحلیل روابط سوژگانی پیشنهادی
۱۱۵	روش اجرای تحلیل

فصل سوم: بازتاب هراس در متون نمایشی دوران تکوین

۱۱۹	گستره مطالعاتی در حوزه نمایشنامه
-----	----------------------------------

۱۲۲.....	گونه‌شناسی هراس در ادبیات نمایشی دوران تکوین
۱۲۲.....	هراس‌های غایب
۱۲۲.....	هراس‌های وجودی
۱۲۵.....	هراس‌های دینی و قرآنی
۱۲۷.....	هراس از بیماری و فوبی‌ها
۱۲۸.....	هراس از تمدن و فناوری
۱۲۹.....	هراس‌های غالب
۱۲۹.....	هراس از فقر، جهل و عقب‌ماندگی
۱۳۱.....	هراس از خودکامگی
۱۳۲.....	هراس از ارتقای جایگاه زنان
۱۳۵.....	برنمود هراس از ارتقای جایگاه زنان در ادبیات نمایشی دوران تکوین
۱۴۲.....	هراس از زنان: جرم و سب
۱۴۴.....	هراس از بیگانه سرجه و آشفته‌گی
۱۴۹.....	هراس از ناهمسانی انسان و گرایش به واقع‌نمایی
۱۵۲.....	هراس از ناهمسانی گرایش به انسان
۱۵۶.....	هراس از ناهمسانی: درآش و واقع‌نمایی
۱۵۸.....	دیالکتیک هراس از تغییر و هراس از گذشته
۱۶۱.....	هراس از رکود (میل به تغییر و نسیم وجود)
۱۶۲.....	سرگذشت یک روزنامه‌نگار
۱۶۴.....	داستان بیچاره‌زاده
۱۶۵.....	هراس از انحراف جنبش مشروطه و شکست آن
۱۶۱.....	هراس از تغییر (میل به حفظ وضع موجود)
۱۷۰.....	تربیت نااهل، کفش حضرت غلمان، جیجک علی‌شاه
۱۷۷.....	تحول ابژه هراس در دوران تکوین
۱۸۱.....	پایان: دریافت‌ها و دستاوردها
۱۸۹.....	سخن آخر
	پیوست‌ها
۱۹۳.....	بخش اول: جداول
۲۰۵.....	بخش دوم: پرسش‌نامه تحلیلی کتاب، فهرست نمایشنامه‌ها و پی‌رنگ‌ها
۲۷۹.....	فهرست منابع

پیشگفتار

از هر طرفی که رفتم جز وحشتم نیفزود
نهار را این بیابان، وین راه بی‌نهایت

(حافظ)

تن و جان این کتاب به نحو مستعار و از پیش نیندیشیده به هم پیوسته و درهم تنیده است. این به هم پیوستگی را «هراس» پدید آورده است: از یک سو موضوع هراس، بستر و بنیاد این پژوهش است و از سوی دیگر، امر پژوهش در زمینهٔ تئاتر ایران، خدش، اموری هراس‌آور است. در هم پیوستن این هراس دوسویه، به گام زدن در فضای تاریک می‌ماند با گرداب‌های هایل پیش رو که هر دم ره‌پو را تسلیم می‌کند و از رفتن باز می‌دارد. این سخن پُر تکرار بیشتر پژوهشگران است که عرصهٔ پژوهش در تئاتر ایران عرصه‌ای است دشوار و راهی است لغزان و خدمتی است بی‌مزد و منت. فقر منابع، پراکندگی و کمبود اسناد قابل اتکا و موانع خرد و کلان و نابجای موجود در این راه، تنها اندکی از دشواری‌های اندیشه‌سوز و حوصله‌کش است. با این همه، آنچه هست، از کار طاقت‌فرسا و عرق‌ریزان روح پژوهشگران نام‌آور و کم‌نام پیشین نشان دارد که حاصل دسترنج آن‌ها اکنون این امکان را پدید آورده است

که می‌توان بر شانه کار آنان ایستاد و اگر بخت یاری کند، یک گام عرصه را به پیش برد؛ و جز سپاس، به آنان چه می‌توان گفت؟

برای به فرجام رساندن این پژوهش، خوب می‌دانستم که پیچیدن در زلفِ چون کمنده مفاهیم نظری سوژه و گفتمان انتقادی و در پیوستن و انضمامی کردن آن با موضوع هراس که در ذات خود انتزاعی است و نیز بررسی صورت‌ها و نمودهای آشکار و پنهان آن از دریچهٔ تئاتر و ادبیات نمایشی، کاری است سخت دشوار؛ اما چون، به قول شاعر «هر چه صید در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد، مرواریدی صید نخواهد کرد»، دل به دریا زدن کاری است ناگزیر؛ و این البته به آن معنا نیست که موقت به یافتن مروارید معنا و صید بی‌کم‌وکاست مفاهیم مورد نظر گشتم. تنها فروتنانه می‌توانم گفت که در این راه دل به دریا زده‌ام؛ با این اندیش که حتی اگر چیز چندانی به کف نیاید و مراد، چنان که باید، نیامد، باز یاری، به راه بادیه رفتن و به قدر وسع کوشیدن، به از نشستن باد است.

بالین‌همه، انجام دادن این پژوهش که رسالهٔ دکتری نگارنده در رشتهٔ تئاتر دانشگاه تهران است و به ثمر رساندن این کتاب، فارغ از چند و چون و میزان رد و قبول آن، مانند همه پژوهش‌های دیگر، بی‌ازنه صرف سال‌هایی چند از زندگی بود؛ سال‌هایی که بهای آن نه سنجیدی است و نه می‌توان آن را با چیزی دیگر تاخت زد. از روز نخست گام نهادن در شتاب روان این صحرا، در برابر زنجارِ دوستانه و مشفقانهٔ استادان گران‌قدرم برای برگزیدن موضوعی آسان‌تر و دست‌یافت‌تر، پاسخ می‌دادم که کارهای سخت را دوست‌تر دارم. شاید خام‌خیالانه گمان می‌کردم که اشتیاق و عطش زیادی که برای انجام دادن این پژوهش داشتم، نیروی پیش‌برندهٔ این کار خواهد بود و کفایت خواهد کرد. می‌دانستم که استوار ماندن و نهراسیدن از دشواری لازمهٔ کار همهٔ کسانی است که باور دارند دانشگاه عرصهٔ

در نور دیدنِ راه‌های نرفته و عرصه‌های نیازموده است؛ اما نمی‌دانستم که به قولِ حافظ، رندانِ تشنه‌لب را در این بیابان و این راه بی‌نهایت، آبی نمی‌دهد کس! نیز نمی‌دانستم که یافتنِ کوکبِ هدایت تنها به تلاش و کوشش و استواری میسر نمی‌شود که بخت هم باید یاری کند.

ره‌پویان این راه می‌دانند که در کار پژوهش، پس از خستگی‌ها و در سردی‌های برخاسته از موانع و دست‌از‌کار کشیدن‌های ناگزیر، لحظاتی است که با دست یافتن به منبعی جدید یا حلاوتِ کشف و گشوده شدنِ ریچه‌های تازه، دشواری‌ها دوباره آسان جلوه می‌کنند، دست و قلم دوباره جان می‌گیرند. سوری تازه به ذهن می‌تابد و شوق و رغبت می‌افزاید. من نیز همچون هم‌زمانان این راه پُرفراز و نشیب از این روزهای اوج و حُضیض بسیار داشته‌ام. افسوس که در این میان، از دست رفتنِ برادر نیز رنجی جانکاه به روح و جانم افزود.

در فراهم آمدنِ این دفتر از مساعدت و همفکری دکتر محمدباقر قهرمانی، دکتر بهروز بختیار، دکتر جمه ثمینی و سرکار خانم دکتر راضیه یاسینی بسیار بهره گرفته‌ام و قدردانی از ایشان را بر خود لازم می‌دانم. از دوستان و دانشجویان عزیزم، سیرا شهبازی، مژگان رایگان، زهرا صادقی، فاتیما حاتمی، زهرا خمسه، محسن رادی، زهره شهبابی، سولماز قاسمی، نجمه نظری، صحرا کلانتری، نجمه ملک‌لو، فاطمه هوشیدری، غزاله یراقی، زهرا رمضانعلی، معصومه پورحافظ، سارا رشیدی و فاطمه کوشکی که بی‌دریغ و مشتاقانه در تهیه شماری از پرسش‌نامه‌های مربوط به پژوهش یاری‌ام رساندند، بسیار سپاسگزارم. همچنین تشکر می‌کنم از جناب آقای عبدالحسین مرتضوی که در طول سالیان استاد بی‌بدیل و راهنمای من در تأثیر بوده‌اند و در گردآوری منابع مطالعاتی و مقابله و تصحیح ترجمه‌هایی که از متون انگلیسی انجام داده‌ام، بسیار یاری رسانده‌اند؛ نکته‌سنجی و وسواس ایشان در خواندن کتاب برایم بسیار راهگشا بوده است.

به جای سخن آخر: در آغاز این پژوهش و پس از انتخاب موضوع، تفألی زدم به دیوان حافظ و غزلی آمد که بیتی از آن را در مطلع این پیشگفتار آوردم. باید اقرار و مباحثات کنم که این غزل با گویایی و رسایی شگفت‌انگیز در سراسر کار این پژوهش، به‌ویژه در آنات و لحظات دل‌خستگی‌های ناگفتنی، همواره دستگیر و چراغ راهم بوده است.

www.ketab.ir